Journal of
Comparative Criminal Jurisprudence
www.jccj.ir

Volume 5, Issue 5, 2026

A Comparative Analysis of the Dimensions of the Personality File in the Criminal Justice Systems of Iran and France

Mehdi Ssadeghi Sarabi [1], Mohammad Jafar Saed [2*], Alireza Jamshidi [3]

1. Department of Criminal Law and Criminology, CT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Department of Criminal Law and Criminology, CT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)
3. Department of Criminal Law and Criminology, CT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article: ***Original Research***
Pages: ***289-302***

Corresponding Author's Info
ORCID: *0000-0001-7095-2582*
TELL: *+989122863571*
Email: *m.saed@iau.ac.ir*

Article history:
Received: *25 Jul 2025*
Revised: *11 Aug 2025*
Accepted: *09 Sep 2025*
Published online: *20 Feb 2026*

Keywords:
Criminal Justice, Criminal Policy, Criminal Procedure, French Criminal Law, Individualization of Criminal Sanctions, Iranian Criminal Law, Personality File.

ABSTRACT

The personality dossier is an important institution in modern criminal law, aimed at identifying the individual, psychological, familial, social, and criminal characteristics of defendants or convicted persons. It contributes to the individualization of criminal sanctions and the realization of criminal justice. Despite its recognition in Iranian criminal law, ambiguities remain regarding its dimensions, preparation, and application in criminal proceedings. This study comparatively examines personality dossiers in Iranian and French criminal law, identifying their similarities, differences, and potential implications for improving the Iranian legal system.This research adopts a descriptive-analytical and comparative approach, drawing on library resources, legislation, legal practices, and authoritative Persian and international literature.The findings indicate that both legal systems recognize the importance of understanding offenders' personalities in achieving individualized criminal justice. However, French criminal law demonstrates greater coherence in identifying personality dimensions, involving specialized professionals, incorporating behavioral sciences, and continuously utilizing personality information throughout criminal proceedings and sentence enforcement. In contrast, although Iranian criminal procedure legislation provides for personality dossiers, legislative limitations, inadequate implementation infrastructure, and inconsistent practices restrict their effectiveness. Accordingly, improving the application of personality dossiers in Iran requires strengthening institutional infrastructure, expanding interdisciplinary cooperation, developing specialized guidelines, and selectively adapting relevant French legal experiences to Iran's legal framework. Such reforms could enhance individualized sentencing, improve judicial decision-making, and promote a more effective, fair, and rehabilitative criminal justice system while ensuring that assessments of offenders' personal circumstances remain consistent with fundamental legal principles and procedural safeguards.

This is an open access article under the CC BY license. © 2026 The Authors.

How to Cite This Article: Ssadeghi Sarabi, M; Saed, M. J & Jamshidi, A (2026). "A Comparative Analysis of the Dimensions of the Personality File in the Criminal Justice Systems of Iran and France". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 5(5): 289-302.

فصلنامه فقه جزای تطبیقی
www.jccj.ir

دوره پنجم، شماره پنجم، اسفند ۱۴۰۴

مطالعه تطبیقی ابعاد پرونده شخصیت در حقوق کیفری ایران و فرانسه

مهدی صادقی سرابی[۳]، محمد جعفر ساعد[۲]*، علیرضا جمشیدی[۳]

۱. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)
۳. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی
صفحات: ۳۰۲-۲۸۹

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۰۰۰۰-۰۰۰۱-۷۰۹۵-۲۵۸۲
تلفن: ۹۸۹۱۲۲۸۶۳۵۷۱+
ایمیل: m.saed@iau.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۳
تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۸
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۰۱

واژگان کلیدی:

آیین دادر سی کیفری، پرونده شخ صیت، حقوق ایران، حقوق فراز سه، حقوق کیفری، فردی‌سازی پاسخ کیفری.

چکیده

پرونده شخصیت از نهادهای مهم حقوق کیفری نوین است که با هدف شناخت ویژگی‌های فردی، روان‌شناختی، خانوادگی، اجتماعی و کیفری متهم یا محکوم، نقش مؤثری در فردی‌سازی پاسخ‌های کیفری و تحقق عدالت کیفری ایفا می‌کند. با وجود پیش‌بینی این نهاد در نظام حقوقی ایران، ابهام‌هایی درباره ابعاد، نحوه تشکیل و میزان بهره‌گیری از آن در فرآیند دادرسی وجود دارد. پژوهش حاضر با هدف بررسی تطبیقی ابعاد پرونده شخصیت در حقوق کیفری ایران و فرانسه، به شناسایی شباهت‌ها، تفاوت‌ها و ظرفیت‌های حقوق فرانسه برای بهبود کارکرد این نهاد در ایران می‌پردازد. این پژوهش با روش توصیفی ـ تحلیلی و رویکرد تطبیقی، بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی قوانین، مقررات، رویه‌های حقوقی و منابع معتبر فارسی و خارجی انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد هر دو نظام حقوقی بر ضرورت شناخت شخصیت بزهکار تأکید دارند؛ بااین‌حال، حقوق فرانسه در شناسایی ابعاد پرونده شخصیت، مشارکت متخصصان، بهره‌گیری از علوم رفتاری و استفاده مستمر از اطلاعات شخصیت در مراحل دادرسی و اجرای مجازات، از انسجام بیشتری برخوردار است. در ایران، باوجود پیش‌بینی قانونی پرونده شخصیت، محدودیت‌های تقنینی، ضعف زیرساخت‌های اجرایی و فقدان رویه‌های منسجم، اثربخشی آن را کاهش داده است. بنابراین، ارتقاء کارآمدی این نهاد مستلزم تقویت زیرساخت‌ها، توسعه همکاری میان‌رشته‌ای، تدوین دستورالعمل‌های تخصصی و بهره‌گیری از تجربیات حقوق فرانسه متناسب با ساختار حقوقی ایران است. این اقدامات می‌تواند زمینه فردی‌سازی مؤثرتر مجازات‌ها و تحقق عدالت کیفری را فراهم سازد.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی مقاله حاضر به‌صورت غیرتجاری را دارند.

© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

تحولات نظام‌های عدالت کیفری در دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که رویکرد سنتی مبتنی بر جرم‌محوری، به‌تدریج جای خود را به نگرشی داده است که در آن، علاوه بر رفتار مجرمانه، ویژگی‌های فردی، روانی، اجتماعی و خانوادگی مرتکب نیز در فرآیند دادرسی کیفری مورد توجه قرار می‌گیرد. بر این اساس، عدالت کیفری نوین تنها به احراز وقوع جرم و انتساب آن به مرتکب بسنده نمی‌کند، بلکه درصدد است با شناخت دقیق شخصیت بزهکار، زمینه اتخاذ پاسخ‌های کیفری متناسب با ویژگی‌های فردی وی را فراهم سازد. در چنین رویکردی، اصل فردی‌سازی پاسخ کیفری و رعایت تناسب میان شخصیت بزهکار و واکنش کیفری، از مهم‌ترین الزامات تحقق عدالت کیفری محسوب می‌شود (آشوری، ۱۳۹۸: ۲۸۱).

یکی از مهم‌ترین ابزارهای تحقق این هدف، «پرونده شخصیت» است. پرونده شخصیت مجموعه‌ای از اطلاعات مربوط به وضعیت جسمانی، روان‌شناختی، خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، تحصیلی و سوابق کیفری متهم یا محکوم است که با بهره‌گیری از نظر متخصصان رشته‌های مختلف، از جمله روان‌شناسان، روان‌پزشکان، مددکاران اجتماعی و جرم‌شناسان تهیه می‌شود. هدف از تشکیل این پرونده، فراهم کردن شناختی جامع از شخصیت بزهکار به‌منظور اتخاذ تصمیم‌های قضایی متناسب، اجرای صحیح اصل فردی‌سازی مجازات و افزایش کارآمدی سیاست جنایی در پیشگیری از تکرار جرم است (خالقی، ۱۴۰۰: ۴۹۷).

در حقوق کیفری ایران، اگرچه تا سال‌ها تشکیل پرونده شخصیت جایگاه مشخصی در قوانین نداشت، اما با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، قانون‌گذار گام مهمی در جهت پذیرش این نهاد برداشت و در برخی جرائم، به‌ویژه درباره اطفال و نوجوانان و نیز جرائم مهم، تشکیل پرونده شخصیت را الزامی دانست. با وجود این، بررسی مقررات موجود نشان می‌دهد که هنوز درباره قلمرو، ابعاد، شیوه تهیه و نحوه بهره‌برداری قضایی از پرونده شخصیت، ابهام‌ها و کاستی‌هایی وجود دارد و رویه قضایی نیز در اجرای این نهاد از وحدت لازم برخوردار نیست. از این‌رو، بررسی دقیق ابعاد پرونده شخصیت در نظام حقوقی ایران، ضرورتی انکارناپذیر به‌شمار می‌رود. پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهند که پرونده شخصیت در نظام کیفری ایران اصولا پس از محکومیت است، نه در مرحله اتهامی و حتی در همان مرحله نیز به‌صورت علمی–کاربردی چنین پرونده‌ای تشکیل نمی‌شود و آنچه انجام می‌شود، بسیار محدود و غیرعلمی است (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۱۹۴–۱۹۲).

در مقابل، حقوق کیفری فرانسه به‌عنوان یکی از نظام‌های پیشرو در زمینه فردی‌سازی پاسخ کیفری، سابقه‌ای طولانی در بهره‌گیری از پرونده شخصیت دارد و بخش قابل‌توجهی از نهادهای نوین آیین دادرسی کیفری ایران نیز متأثر از این نظام حقوقی شکل گرفته‌اند. در این نظام، بررسی ویژگی‌های شخصیتی متهم در بسیاری از مراحل فرآیند کیفری، از تحقیقات مقدماتی تا تعیین و اجرای مجازات، جایگاه ویژه‌ای دارد و قاضی می‌تواند با اتکا به اطلاعات مندرج در پرونده شخصیت، مناسب‌ترین واکنش کیفری را انتخاب کند. از این‌رو، مطالعه تطبیقی حقوق ایران و فرانسه می‌تواند نقاط قوت و ضعف هر دو نظام را آشکار ساخته و زمینه ارائه راهکارهایی برای ارتقاء نظام عدالت کیفری ایران را فراهم آورد.

بررسی پیشینه پژوهش نیز نشان می‌دهد که هرچند تحقیقات متعددی درباره پرونده شخصیت، فردی‌سازی مجازات یا جایگاه این نهاد در آیین دادرسی کیفری انجام شده است، اما اغلب این پژوهش‌ها بر الزامات قانونی، آثار یا کارکردهای پرونده شخصیت متمرکز بوده‌اند و پژوهشی که به‌صورت مستقل و با رویکرد تطبیقی، ابعاد پرونده شخصیت را در حقوق کیفری ایران و فرانسه مورد تحلیل قرار دهد، کمتر مشاهده می‌شود. از همین رو، پژوهش حاضر می‌کوشد این خلأ پژوهشی را تا حدی جبران کند.

بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش آن است که ابعاد پرونده شخصیت در حقوق کیفری ایران و فرانسه چیست و این دو نظام حقوقی در شناسایی و بهره‌گیری از ابعاد مختلف پرونده شخصیت، چه اشتراک‌ها و تفاوت‌هایی دارند؟ فرضیه پژوهش بر این مبنا استوار است که اگرچه قانون‌گذار ایران با الهام از نظام‌های حقوقی پیشرفته، به‌ویژه حقوق فرانسه، گام‌هایی در جهت پذیرش پرونده شخصیت برداشته است، اما از حیث

شناسایی جامع ابعاد پرونده شخصیت و بهره‌برداری عملی از آن در فرآیند دادرسی، همچنان با چالش‌هایی روبه‌رو است. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، درصدد تبیین این ابعاد و ارائه تحلیلی تطبیقی میان حقوق کیفری ایران و فرانسه است.

انتخاب نظام حقوقی فرانسه برای مطالعه تطبیقی از آن جهت است که بخش قابل‌توجهی از تحولات آیین دادرسی کیفری ایران، به‌ویژه در زمینه فردی‌سازی پاسخ کیفری و نهاد پرونده شخصیت، متأثر از نظام حقوقی فرانسه بوده است. افزون بر این، سابقه طولانی فرانسه در بهره‌گیری از پرونده شخصیت و وجود مقررات نسبتا منسجم در این زمینه، این نظام حقوقی را به یکی از مناسب‌ترین الگوها برای مطالعه تطبیقی و ارزیابی ظرفیت‌های حقوق ایران تبدیل می‌کند.

۱- مبحث اول: مفهوم و مبانی پرونده شخصیت

۱-۱- گفتار اول: مفهوم پرونده شخصیت

پرونده شخصیت از بنیادین‌ترین نهادهای حقوق کیفری نوین به‌شمار می‌رود که با هدف تحصیل شناختی جامع و واقع‌بینانه از ابعاد فردی، روان‌شناختی، خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی متهم یا محکوم سامان یافته است. این نهاد در تمایز بنیادین با پرونده کیفری که غالبا بر تکوین عناصر قانونی، مادی و معنوی جرم، بررسی ادله اثبات دعوا و ارزیابی مسؤولیت کیفری تمرکز دارد، کانون توجه خود را بر ویژگی‌ها و بسترهای شخصیتی مرتکب معطوف می‌سازد. غایت نهایی این شناخت چندبعدی، تمهید بستر مناسب برای اتخاذ تصمیم قضایی سنجیده و متناسب با اهداف عالیه عدالت کیفری، به‌ویژه کاربست دقیق اصل فردی‌سازی پاسخ‌های کیفری است (آشوری، ۱۳۹۸: ۲۸۷-۲۹۰؛ نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۹: ۱۷۴- ۱۶۸).

از منظر جرم‌شناسی بالینی و نظریه‌های نوین عدالت کیفری، تکوین رفتار مجرمانه صرفا پدیده‌ای تک‌عاملی یا برخاسته از اراده آزاد و مختار مرتکب قلمداد نمی‌شود؛ بلکه محصول برهم‌کنش زنجیره‌ای از مؤلفه‌های زیستی، روانی، خانوادگی، محیطی و اجتماعی است. بدین‌سان، بازشناسی مؤلفه‌های شخصیتی بزهکار در کنار سنجش رفتار مجرمانه، از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر برقراری عدالت قضایی تلقی می‌گردد؛ چراکه اتخاذ تدابیر کیفری در غیاب داده‌های ناظر بر بستر شکل‌گیری جرم، می‌تواند به تحمیل واکنش‌های نامتناسب و فاقد کارایی بازدارنده بینجامد. در همین راستا، قانون‌گذار کیفری ایران در جریان تدوین قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، با پیش‌بینی الزامات مربوط به پرونده شخصیت در مواد ۲۰۳ و ۲۸۶، گامی ساختاریافته در جهت ورود داده‌های علوم انسانی به دادرسی کیفری برداشته است (قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۳۹۲؛ خالقی، ۱۴۰۰: ۵۰۲).

در ادبیات تحلیلی حقوق جزا، پرونده شخصیت فراتر از گردآوری صرف اطلاعات توصیفی پیرامون وضعیت متهم است؛ بلکه در قالب گزارشی تحلیلی، تخصصی و حاصل مساعی مشترک متخصصان علوم گوناگون، نظیر روان‌شناسی، روان‌پزشکی، مددکاری اجتماعی، جرم‌شناسی و در صورت اقتضا، کارشناسان پزشکی قانونی انعکاس می‌یابد. یافته‌های حاصل از این رهیافت چندرشته‌ای، مقام قضایی را در اتخاذ تصمیمات اساسی راجع به تعیین سنخ و اندازه کیفر و نیز اعمال بهینه نهادهای ارفاقی از قبیل تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، نظام نیمه‌آزادی، آزادی مشروط و مجازات‌های جایگزین حبس، به نحو مؤثری هدایت می‌کند (آشوری، ۱۳۹۸: ۲۸۹- ۲۸۶).

بر این مبنا، می‌توان پرونده شخصیت را چارچوبی منسجم، مستمر و نظام‌مند از اطلاعات علمی و داده‌های میان‌رشته‌ای دانست که با تمرکز بر مؤلفه‌های روانی، زیستی و اجتماعی مرتکب تنظیم می‌گردد تا مرجع قضایی را در مراحل مختلف دادرسی و اجرای کیفر، جهت انطباق هرچه بیشتر واکنش‌های کیفری با موازین انصاف قضایی و تحقق اهداف اصلاحی و بازپرورانه عدالت کیفری یاری رساند (Merle & Vitu, 2019: 736–741).

در این گستره، حقوق کیفری فرانسه سابقه‌ای طولانی در تمهید و هدایت سازوکارهای شخصیت‌شناسی در مرحله تحقیقات مقدماتی دارد. قانون‌گذار فرانسه در ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری این کشور، تحقیق پیرامون ابعاد شخصیتی متهم و اوضاع مادی، خانوادگی و اجتماعی وی را به‌طور

مشخص پیش‌بینی نموده است؛ به‌گونه‌ای که انجام این بررسی‌ها در جرائم جنایی به‌نحو الزامی و در قلمرو جنحه‌ها بر پایه تشخیص اختیاری مقام قضایی سامان یافته است (شاملو و گوزلی، ۱۳۹۰: ۱۱۶).

به نظر می‌رسد مهم‌ترین تحول در اندیشه کیفری معاصر، تغییر نگرش از «جرم‌محوری» به «شخصیت‌محوری» است. در این رویکرد، قاضی تنها به عمل ارتکابی نمی‌نگرد، بلکه تلاش می‌کند با بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری رفتار مجرمانه، مناسب‌ترین پاسخ کیفری را انتخاب کند. از این‌رو، پرونده شخصیت را باید یکی از مهم‌ترین ابزارهای تحقق عدالت کیفری نوین و اجرای اصل فردی‌سازی پاسخ‌های کیفری دانست.

بر همین اساس، ارائه تعریفی جامع از پرونده شخصیت، مقدمه‌ای ضروری برای بررسی ابعاد آن در نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه است؛ زیرا بدون تبیین دقیق مفهوم این نهاد، تحلیل کارکردها و ابعاد آن با ابهام روبه‌رو خواهد بود.

۱-۲- گفتار دوم: مبانی و ضرورت تشکیل پرونده شخصیت

تشکیل پرونده شخصیت از دستاوردهای بنیادین جرم‌شناسی نوین در راستای بهینه‌سازی نظام عدالت کیفری و بازاجتماعی‌سازی مجرمان به‌شمار می‌رود. این نهاد تا حدودی تضمین‌کننده کرامت بشری است؛ چراکه مقام قضایی با در اختیار داشتن داده‌های این پرونده، کیفری متناسب با شخصیت و وضعیت واقعی فرد تعیین می‌کند، نه واکنشی که صرفا بر مدار جرم ارتکابی می‌چرخد (ملازمیان و قربان‌زاده، ۱۴۰۲: ۷-۱۹). شالوده اصلی پرونده شخصیت بر گذار از «عدالت کیفری جرم‌محور» به «عدالت کیفری شخصیت‌محور» استوار است. در نگرش سنتی، محور دادرسی کیفری انحصارا بر جرم ارتکابی و میزان استحقاق سنتی مرتکب متمرکز بود و شخصیت بزهکار سهم ناچیزی در تصمیم‌گیری قضایی داشت؛ اما با توسعه مطالعات جرم‌شناختی و تکوین مکاتب نوین حقوق کیفری، به‌ویژه مکتب دفاع اجتماعی نوین و نظریه فردی‌سازی پاسخ‌های کیفری، لحاظ ویژگی‌های شخصیتی، خانوادگی، اجتماعی و روان‌شناختی بزهکار به یکی از ارکان ساختاری دادرسی بدل شد (آشوری، ۱۳۹۸: ۲۸۶-۲۹۰؛ اردبیلی، ۱۴۰۰: ۲/ ۴۱۸-۴۲۳).

فردی‌سازی مجازات‌ها نه‌تنها حقوق کیفری را انسانی‌تر ساخته، بلکه قلمرو آن را گسترش داده و افق‌های نوینی را پیش روی حقوقدانان گشوده است (زمانی و همکاران، ۱۴۰۳: ۲۹۷). بر اساس اصل فردی‌سازی پاسخ‌های کیفری، واکنش قهرآمیز حقوق کیفری نباید به نوع یا شدت جرم محدود بماند، بلکه باید با در نظر گرفتن وضعیت جسمانی، روان‌شناختی، خانوادگی، فرهنگی، اقتصادی، سوابق کیفری و میزان قابلیت اصلاح و بازاجتماعی شدن مرتکب انتخاب گردد. شناخت دقیق شخصیت بزهکار از این مسیر، امکان گزینش متناسب‌ترین واکنش کیفری را فراهم ساخته و از تبعات مخرب مجازات‌های یکنواخت و غیرمتناسب جلوگیری می‌کند (اردبیلی، ۱۴۰۰: ۲/ ۴۲۳؛ خالقی، ۱۴۰۰: ۵۰۳-۵۰۶).

از سوی دیگر، تشکیل پرونده شخصیت پیوندی تنگاتنگ با اهداف و راهبردهای سیاست جنایی نوین دارد. سیاست جنایی معاصر صرفا در پی تحمیل کیفر نیست، بلکه اصلاح، درمان، بازپروری، بازاجتماعی‌سازی و پیشگیری از تکرار جرم را از غایات اصلی خود می‌داند. تحقق این اهداف بدون شناخت علمی و جامع شخصیت مرتکب و عوامل مؤثر بر رفتار مجرمانه وی ناممکن است. بدین‌سان، پرونده شخصیت به‌عنوان ابزاری تخصصی برای شناسایی عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی بزهکاری، بستر اتخاذ تصمیمات مقتضی را در مراحل گوناگون تعقیب، تحقیقات مقدماتی، دادرسی، اجرای مجازات و بهره‌گیری از نهادهای ارفاقی فراهم می‌آورد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۷: ۸۵-۹۲؛ آشوری، ۱۳۹۸: ۲۹۰-۲۹۳؛ خالقی، ۱۴۰۰: ۵۰۶-۵۱۰).

علاوه بر این، پرونده شخصیت با موازین کرامت انسانی و دادرسی منصفانه هماهنگی کامل دارد. در نظام حقوقی نوین، متهم صرفا موضوع انفعالی تعقیب کیفری نیست؛ بلکه انسانی است که تمام ابعاد فردی و اجتماعی وی باید در تصمیم‌سازی قضایی ملحوظ گردد. مقام قضایی با اتکا به داده‌های پرونده شخصیت می‌تواند تصمیمی اتخاذ کند که ضمن صیانت از نظم عمومی و حمایت از حقوق بزه‌دیده، با واقعیت‌های شخصیتی

مرتکب نیز انطباق داشته باشد؛ رویکردی که افزون بر تحکیم عدالت قضایی، بازپروری بزهکار را نیز تضمین می‌کند (Pradel, 2022: 620–624; Merle & Vitu, 2019: 736–742).

بر پایه این مبانی نظری، پرونده شخصیت امروزه در نظام‌های پیشرفته نه نهادی تشریفاتی، بلکه از ارکان حیاتی تحقق عدالت کیفری علمی و فردی‌سازی پاسخ‌های کیفری است. بررسی این نهاد در حقوق ایران و فرانسه، بستر شناخت ظرفیت‌ها و رفع کاستی‌های تقنینی را برای ارتقاء کارآمدی نظام عدالت کیفری هموار می‌سازد (آشوری، ۱۳۹۸: ۲۹۳؛ خالقی، ۱۴۰۰: ۵–۷).

۱–۳– جمع‌بندی گفتار دوم

بررسی مبانی نظری پرونده شخصیت نشان می‌دهد که این نهاد صرفا تأسیسی شکلی در آیین دادرسی کیفری نیست، بلکه بر پایه‌های علمی و استوار اصل فردی‌سازی پاسخ‌های کیفری، عدالت کیفری نوین، کرامت انسانی و دستاوردهای جرم‌شناسی بنا شده است. تشکیل پرونده شخصیت، لازمه‌ی انکارناپذیر تحقق دادرسی منصفانه و تصمیم‌گیری مبتنی بر شناخت واقعی شخصیت مرتکب است.

تحلیل مبانی یادشده بیانگر آن است که هرچقدر اطلاعات پیرامون ویژگی‌های فردی، روانی و اجتماعی بزهکار دقیق‌تر و علمی‌تر گردآوری شود، توان نظام قضایی در انتخاب واکنش کیفری متناسب و اثربخش فزونی می‌یابد. در نقطه مقابل، بی‌اعتنایی به این داده‌ها، خطر اعمال مجازات‌های کلیشه‌ای و یکنواخت را افزایش داده و اهداف بازپرورانه و اصلاحی عدالت کیفری را با چالش جدی مواجه می‌سازد.

۲– مبحث دوم: ابعاد پرونده شخصیت در حقوق کیفری ایران

۲–۱– گفتار اول: بعد فردی

بعد فردی، نخستین و بنیادین‌ترین بعد پرونده شخصیت به‌شمار می‌رود و ناظر بر مجموعه ویژگی‌های شخصی، جسمانی، روان‌شناختی و هویتی متهم یا محکوم است. غایت از گردآوری این داده‌ها، تمهید شناختی دقیق از وضعیت فردی مرتکب است تا مقام قضایی بتواند در چارچوب اصل فردی‌سازی پاسخ‌های کیفری، تصمیمی مقتضی اتخاذ کند. در حقیقت، واکنش کیفری زمانی عادلانه و اثربخش خواهد بود که افزون بر ماهیت و شدت جرم، ویژگی‌های فردی و شرایط خاص مرتکب نیز مورد ارزیابی قرار گیرد (آشوری، ۱۳۹۸: ۲۸۷–۲۹۰؛ اردبیلی، ۱۴۰۰: ۲/ ۴۲۸–۴۳۱). در تأیید این ضرورت، بررسی‌های میدانی حاکی از آن است که از میان ۳۰۰ قاضی و کارآموز قضایی، تنها ۹۵ نفر (۶۶/۳۱ درصد) با اصطلاح پرونده شخصیت آشنایی داشته‌اند و از ۱۳۰ قاضی محاکم کیفری، فقط ۳۲ نفر (۶۱/۲۴ درصد) در زمان انشای رأی به شخصیت مجرم توجه نموده‌اند (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۱۹۸–۱۹۹). پرونده شخصیت سنگ‌بنای فردی‌کردن کیفر است؛ چنان‌که شناخت دقیق شخصیت بزهکار سهم هر یک از عوامل تأثیرگذار در پدیده مجرمانه و میزان مداخله اراده آزاد را تعیین می‌کند و غفلت از شخصیت درونی و روانی مجرم، فرآیند دادرسی عادلانه را با موانع جدی مواجه می‌سازد (محمدی و میرقادری، ۱۴۰۳: ۳).

در نظام حقوقی ایران، هرچند قانون‌گذار تعریف مستقلی از «بعد فردی» پرونده شخصیت ارائه نکرده است، اما از مقررات قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، به‌ویژه مقررات ناظر بر تشکیل پرونده شخصیت، استنباط می‌شود که مؤلفه‌هایی نظیر سن، جنس، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات، شغل، وضعیت جسمانی، سلامت روان، سوابق بیماری و پیشینه کیفری از مهم‌ترین عناصر این بعد به‌شمار می‌آیند (قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۳۹۲: مواد ۲۰۳ و ۲۸۶؛ خالقی، ۱۴۰۰: ۵۰۲–۵۰۷؛ آشوری، ۱۳۹۸: ۲۸۷–۲۹۰). در کنار داده‌های هویتی، بررسی وضعیت سلامت روانی و ویژگی‌های شخصیتی مرتکب نیز اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا ابتلا به اختلالات روانی یا ناهنجاری‌های شخصیتی می‌تواند در میزان مسؤولیت کیفری و انتخاب پاسخ کیفری مؤثر باشد (اردبیلی، ۱۴۰۰: ۲/ ۴۳۱؛ آشوری، ۱۳۹۸: ۲۹۰–۲۹۲). همچنین سوابق کیفری فرد، در کنار سایر ویژگی‌ها، برای ارزیابی احتمال تکرار جرم مدنظر قرار می‌گیرد (Merle & Vitu, 2019: 738–741; Pradel, 2022: 618–622).

در مجموع، بعد فردی پرونده شخصیت در حقوق کیفری ایران، با وجود پیش‌بینی ظرفیت‌های قانونی برای تشکیل پرونده شخصیت، هنوز از جامعیت و انسجام اجرایی کافی برخوردار نیست. محدود بودن دامنه تشکیل پرونده شخصیت، کمبود متخصصان علوم رفتاری، نبود دستورالعمل‌های اجرایی یکسان و تفاوت رویه‌های قضایی، از مهم‌ترین چالش‌های موجود در این زمینه به‌شمار می‌روند. با این حال، پذیرش این نهاد در قانون آیین دادرسی کیفری را می‌توان گامی مؤثر در جهت تحقق اصل فردی‌سازی پاسخ‌های کیفری، ارتقاء کیفیت تصمیم‌های قضایی و تقویت عدالت کیفری ارزیابی کرد (خالقی، ۱۴۰۰: ۵۱۲–۵۰۷؛ آشوری، ۱۳۹۸: ۲۹۳).

۲-۱-۱- جمع‌بندی گفتار اول

بررسی بعد فردی پرونده شخصیت در حقوق کیفری ایران نشان می‌دهد که این بعد، هسته مرکزی فرایند شناخت بزهکار است. با این حال، تحلیل مقررات بیانگر آن است که گردآوری اطلاعات فردی در عمل از الگوی واحد و استانداردی تبعیت نمی‌کند. تقویت این بعد مستلزم توسعه همکاری میان مقام قضایی و متخصصان علوم رفتاری و تدوین معیارهای واحد برای ارزیابی شخصیت است.

۲-۲- گفتار دوم: بعد اجتماعی

بعد اجتماعی پرونده شخصیت ناظر بر مجموعه‌ای از عوامل محیطی، روابط اجتماعی و شرایط اقتصادی و فرهنگی مرتکب است. این بعد بر این فرض استوار است که رفتار مجرمانه صرفا بازتاب ویژگی‌های فردی نیست، بلکه در بستری از شرایط خانوادگی، محیط اجتماعی، وضعیت اقتصادی، سطح تحصیلات و نوع اشتغال شکل می‌گیرد (آشوری، ۱۳۹۸: ۲۸۹). در حقوق ایران، اگرچه فهرست جامعی از مؤلفه‌های اجتماعی در قانون ذکر نشده، اما از مقررات آیین دادرسی کیفری استنباط می‌شود که مواردی چون وضعیت خانوادگی، کیفیت روابط میان اعضا، شرایط اقتصادی، میزان تحصیلات، وضعیت اشتغال، محیط رشد و سوابق اجتماعی از ارکان اساسی این بعد به‌شمار می‌آیند.

خانواده به‌عنوان نخستین نهاد اجتماعی و کانونی اثرگذار، با عواملی همچون شیوه‌های تربیتی، سابقه بزهکاری خانوادگی، اعتیاد، خشونت خانگی و ازهم‌گسیختگی خانواده در شکل‌گیری شخصیت فرد نقش دارد و بررسی آن معمولا با همکاری مددکاران اجتماعی صورت می‌پذیرد (اردبیلی، ۱۴۰۰: ۲: ۴۳۷). در کنار آن، وضعیت اقتصادی و اجتماعی مانند فقر، بیکاری و قرار گرفتن در محیط‌های جرم‌زا در تعامل با سایر عوامل، بستر ارتکاب جرم را فراهم می‌سازد؛ بررسی این عوامل به مقام قضایی یاری می‌رساند تا تصمیمی متناسب با واقعیت‌های ملموس مرتکب اتخاذ کند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۷: ۱۷۶–۱۶۸؛ آشوری، ۱۳۹۸: ۲۹۱–۲۹۳).

۲-۲-۱- جمع‌بندی گفتار دوم

تحلیل بعد اجتماعی پرونده شخصیت گواه آن است که رفتار مجرمانه محصول برهم‌کنش عوامل خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی است. توجه به شرایط محیطی بزهکار، مکمل شناخت ویژگی‌های فردی اوست و تصویر جامعی برای تعیین واکنش کیفری متناسب فراهم می‌کند. چالش اصلی در این حوزه، فقدان سازوکار منظم برای ارزیابی و ثبت داده‌های اجتماعی است که تقویت جایگاه مددکاران اجتماعی و تدوین دستورالعمل‌های تخصصی را ایجاب می‌کند.

۲-۳- گفتار سوم: بعد قضایی

بعد قضایی پرونده شخصیت، ناظر بر کارکرد داده‌های مندرج در این گزارش در تصمیم‌گیری مقام قضایی است. ارزش واقعی پرونده شخصیت نه صرفا در تشکیل آن، بلکه در بهره‌برداری مؤثر از اطلاعات آن در مراحل گوناگون دادرسی آشکار می‌شود (آشوری، ۱۳۹۸: ۲۹۳). در نظام کیفری ایران، تشکیل پرونده شخصیت برای بزرگسالان با خلأهای تقنینی مواجه است؛ درحالی‌که تشکیل این سند در تمام مراحل دادرسی و اتکا به آن برای صدور حکم متناسب، لازم است (مولاپور راشدی و همکاران، ۱۴۰۳: ۴۷۲–۴۷۳). اطلاعات پرونده شخصیت در تحقیقات مقدماتی، صدور قرار تأمین کیفری، ارجاع به کارشناسان و ارزیابی وضعیت متهم نقشی کلیدی دارد (سلیمانی و همکاران، ۱۴۰۲: ۴۱۴–۴۱۷). در مرحله صدور حکم نیز قاضی با مطالعه گزارش‌های تخصصی، درباره نوع و میزان مجازات، تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط و مجازات‌های جایگزین حبس تصمیم می‌گیرد

و اصل فردی‌سازی کیفر را محقق می‌سازد (اردبیلی، ۱۴۰۰: ۲/ ۴۴۲؛ زمانی و همکاران، ۱۴۰۳: ۳۰۳).

کارکرد پرونده شخصیت به مرحله صدور حکم محدود نمی‌شود، بلکه در مرحله اجرای مجازات نیز از طریق طبقه‌بندی محکومان، برنامه‌های اصلاحی، آزادی مشروط و نظام نیمه‌آزادی تداوم می‌یابد (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲: مواد ۵۶، ۵۸ و ۵۷؛ خالقی، ۱۴۰۰: ۵۰۷–۵۱۲؛ آشوری، ۱۳۹۸: ۲۹۱–۲۹۳). با وجود این، در عمل در مرحله اجرا، نقش مددکاران به پرسش‌نامه‌های بسته محدود شده و کارکرد اصلاحی آن به حاشیه رفته است (حیدری، ۱۴۰۲: ۸۴–۸۷). چالش‌هایی نظیر محدود بودن موارد الزام قانونی، کمبود کارشناسان و نبود دستورالعمل واحد، از موانع بهره‌برداری کامل از این نهاد به‌شمار می‌روند (اردبیلی، ۱۴۰۰: ۲/ ۴۳۳–۴۳۶؛ نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۷: ۱۸۰–۱۸۵).

۲-۳-۱- جمع‌بندی گفتار سوم

ارزش بنیادین پرونده شخصیت در نحوه بهره‌برداری مقام قضایی از اطلاعات آن در مراحل دادرسی و اجرای مجازات تجلی می‌یابد. هرچه تصمیم‌های قضایی بر پایه شناخت دقیق‌تر شخصیت مرتکب استوار شود، تحقق عدالت کیفری، رعایت اصل تناسب و کاهش تکرار جرم تسهیل خواهد شد.

۳- مبحث سوم: ابعاد پرونده شخصیت در حقوق کیفری فرانسه

۳-۱- گفتار اول: مبانی قانونی

نظام حقوق کیفری فرانسه یکی از پیشرفته‌ترین نظام‌های حقوقی در شناسایی و کاربست پرونده شخصیت به‌شمار می‌رود. این نظام، متأثر از تحولات جرم‌شناسی و سیاست جنایی نوین، از دهه‌های پیشین اهتمامی ویژه به شناخت شخصیت بزهکار داشته و تشکیل پرونده شخصیت را به‌عنوان ابزاری بنیادین برای تحقق اصل فردی‌سازی پاسخ کیفری پذیرفته است. در حقوق فرانسه، تعیین واکنش کیفری صرفا بر پایه نوع جرم یا شدت آن صورت نمی‌گیرد، بلکه ویژگی‌های شخصیتی، خانوادگی، اجتماعی و روان‌شناختی مرتکب نیز در فرایند تصمیم‌گیری قضایی نقشی محوری ایفا می‌کند (Pradel, 2022: 615).

مبنای تقنینی پرونده شخصیت در حقوق فرانسه را باید در مقررات قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات این کشور جست‌وجو کرد. بر اساس این مقررات، در بسیاری از جرائم، به‌ویژه جرائم خطیر (جنایات)، مقام قضایی مکلف یا مخیر است پیش از اتخاذ تصمیم نهایی، وضعیت شخصیتی متهم را ارزیابی کند. این بررسی تخصصی از رهگذر گزارش‌های مددکاری اجتماعی، ارزیابی‌های روان‌شناختی، معاینات پزشکی، مداقه در بافت خانوادگی، سوابق کیفری و سایر شاخص‌های مرتبط محقق می‌شود تا شناختی جامع از وضعیت روانی و رفتاری مرتکب برای گزینش متناسب‌ترین واکنش کیفری حاصل آید (Merle & Vitu, 2019: 742).

در حقوق فرانسه، تشکیل و کاربرد پرونده شخصیت به مرحله تحقیقات مقدماتی محدود نبوده، بلکه داده‌های آن در سراسر مراحل دادرسی، از تعقیب بدوی تا فرآیند اجرای کیفر، مورد اتکا قرار می‌گیرد. تعامل پایدار میان مراجع قضایی و متخصصان علوم رفتاری، روان‌پزشکی، جرم‌شناسی بالینی و مددکاری، نشانگر رویکردی میان‌رشته‌ای است که تصمیم قضایی را بر پشتوانه‌های ارزیابی علمی استوار می‌سازد (Pradel, 2022: 618–624; Merle & Vitu, 2019: 736–742; Hodgson, 2005: 102–109; Code de Procédure Pénale, 2024). افزون بر این، اطلاعات مندرج در پرونده در تصمیم‌گیری‌های ناظر بر نهادهای ارفاقی از جمله تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، رژیم نیمه‌آزادی، ترتیبات نظارت مراقبتی و برنامه‌های بازپروری پساحبس نقشی تعیین‌کننده دارند و بستر بازاجتماعی‌سازی و کاهش بازگشت به چرخه بزهکاری را فراهم می‌آورند (Delmas-Marty, 1983: 214–221; Ashworth, 2021: 398–406).

۳-۱-۱- تحلیل تطبیقی

سنجش تطبیقی حقوق ایران و فرانسه بیانگر آن است که هر دو نظام اصل توجه به شخصیت بزهکار را پذیرفته‌اند؛ با این حال، در فرانسه این نهاد در قالب راهبردی عام، فراگیر و مرحله‌مند تثبیت شده، حال آنکه در نظام تقنینی ایران، تشکیل پرونده شخصیت غالبا به موارد خاص و با قلمرویی مضیق محدود گشته است. بازخوانی تجربه نظام فرانسه می‌تواند

افق‌های کارآمدی برای ارتقاء کیفی و تقنینی این نهاد در حقوق کیفری ایران بگشاید.

۳-۱-۲- جمع‌بندی گفتار اول

ارزیابی مبانی قانونی در حقوق کیفری فرانسه نشان می‌دهد که قانون‌گذار این کشور شناخت شخصیت مرتکب را رکنی لاینفک از دادرسی منصفانه دانسته و از تمرکز صرف بر ارکان مادی جرم عبور کرده است. هرچند قانون آیین دادرسی کیفری ایران (مصوب ۱۳۹۲) به تشکیل این پرونده اقبال نشان داده، اما تمایز اساسی دو کشور نه در اصل پذیرش، بلکه در میزان نهادینه‌سازی، استمرار بررسی در تمام مراحل دادرسی، تعامل سازمان‌یافته با متخصصان علوم رفتاری و کاربرد عملی آن در اتخاذ تصمیمات قضایی نهفته است.

۳-۲- گفتار دوم: ابعاد پرونده شخصیت

پرونده شخصیت در حقوق کیفری فرانسه سندی جامع، تخصصی و چندبعدی است که از ثبت صرف مشخصات هویتی و پیشینه محکومیت فراتر رفته و تمامی شاخص‌های بنیادین در تکوین رفتاری مرتکب را پوشش می‌دهد. قانون‌گذار فرانسه با اتکا بر آموزه‌های جرم‌شناسی بالینی و روان‌شناسی کیفری، شناخت ماهوی بزهکار را مبنای اتخاذ واکنش قضایی قرار داده است؛ رویکردی که تبلور مستقیم اصل فردی‌سازی ضمانت‌اجراهای کیفری به‌شمار می‌رود (Code de Procédure Pénale, 2024؛ Pradel, 2022: 620–623؛ Hodgson, 2005: 104–108). ابعاد بنیادین پرونده شخصیت در نظام دادرسی کیفری فرانسه مشتمل بر مؤلفه‌های زیر است:

۱. بعد فردی: این بعد داده‌های ناظر بر سن، جنس، سلامت جسمانی، تعادل روان‌شناختی، ساختار شخصیتی، سطح تحصیلات، مهارت‌های اکتسابی و سوابق سرگذشت متهم را در برمی‌گیرد. با مداخله مستقل کارشناسان و ارزیابی‌های روان‌پزشکی و روان‌شناختی، تصویر دقیقی از سازمان شخصیتی بزهکار در زمان رسیدگی فراهم می‌شود که مبنای تعیین دقیق قابلیت انتساب، مسؤولیت کیفری، حالت خطرناک، استعداد بازپروری و گزینش واکنش کیفری متناسب است (Pradel, 2022: 621–624; Merle & Vitu, 2019: 748–751).

۲. بعد خانوادگی و اجتماعی: داده‌های این بعد بر بستر خانوادگی، پویایی روابط عاطفی، پایگاه اجتماعی–اقتصادی، وضعیت مسکن و اشتغال و پیوندهای گروهی متمرکز است. از منظر سیاست جنایی فرانسه، بستر اجتماعی مکمل ارزیابی فردی است؛ چه اینکه ریشه‌یابی زمینه‌های تسهیل‌کننده بزهکاری، جهت‌دهنده اصلی برنامه‌های اصلاحی، پیشگیری از تکرار جرم و انتخاب تدابیر انطباقی است (Merle & Vitu, 2019: 751–754; Delmas-Marty, 1983: 218–223; Pradel, 2022: 624–626). بعد دیگر، بعد کیفری و اصلاحی است که سوابق کیفری، نحوه اجرای محکومیت‌های پیشین، میزان همکاری مرتکب با مراجع قضایی، میزان پذیرش مسؤولیت، رفتار وی در دوران تحمل مجازات و احتمال بازاجتماعی‌شدن و بازگشت وی به زندگی سالم اجتماعی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. این اطلاعات، دادگاه را در تصمیم‌گیری درباره بهره‌گیری از نهادهای ارفاقی، اقدامات تأمینی و تربیتی، تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط و سایر تدابیر مبتنی بر اصل فردی‌سازی پاسخ‌های کیفری یاری می‌دهد و زمینه اتخاذ تصمیمی متناسب با وضعیت واقعی محکوم را فراهم می‌سازد (Pradel, 2022: 624-628; Merle & Vitu, 2019: 754-758; Code de Procédure Pénale, 2024).

۳. بعد کیفری و اصلاحی: این بعد به سنجش سوابق محکومیت، کیفیت گذران مجازات‌های پیشین، میزان همکاری با مراجع قضایی، مسؤولیت‌پذیری در قبال بزه و قابلیت ادغام مجدد در پیکره اجتماع می‌پردازد. این داده‌ها مراجع قضایی را در اتخاذ تدابیر ارفاقی و ترتیبات اجرایی نظیر آزادی مشروط، تعلیق مراقبتی و نظام نیمه‌آزادی یاری می‌رساند (Pradel, 2022: 624–628; Merle & Vitu, 2019: 754–758; Code de Procédure Pénale, 2024).

۴. پویایی پرونده شخصیت: از ویژگی‌های ممتاز نظام فرانسه، خصلت ایستا نبودن این سند است. پرونده در سراسر دادرسی و به‌ویژه در فرایند اجرای مجازات، متناسب با تحولات رفتاری محکوم و مداخلات بالینی، به‌صورت مستمر به‌روزرسانی می‌شود تا تصمیمات ناظر بر تعدیل مجازات با تکیه بر آخرین داده‌های شخصیتی اتخاذ گردد (Hodgson, 2005: 108–

113; Delmas-Marty, 1983: 223–226; Pradel, 2022: 628–630).

۳-۲-۱- تحلیل تطبیقی

تطبیق دو نظام کیفری مؤید آن است که هرچند حقوق ایران با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ گامی اساسی در پذیرش این نهاد برداشته، اما نظام فرانسه در تفکیک ابعاد، سازمان‌دهی جمع‌آوری داده‌ها، به‌روزرسانی مستمر و همکاری‌های میان‌رشته‌ای از کارآمدی عملی بالاتری برخوردار است؛ درحالی‌که حقوق کیفری ایران به جهت محدودیت الزامات قانونی، نبود ضوابط یکپارچه و کمبود کارشناسان علوم رفتاری، همچنان در کاربست فراگیر این ظرفیت‌ها با چالش روبه‌روست (قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۳۹۲؛ خالقی، ۱۴۰۰: ۵۰۲–۵۱۲؛ آشوری، ۱۳۹۸: ۲۸۷–۲۹۳).

۳-۲-۲- جمع‌بندی گفتار دوم

ارزیابی ابعاد پرونده شخصیت در حقوق فرانسه نشان‌دهنده نگرش منظومه‌ای و چندبعدی به شخصیت بزهکار و مداخله فعالانه روان‌شناسان، جرم‌شناسان و مددکاران اجتماعی در کنار قاضی است. تمایز کلیدی حقوق ایران و فرانسه نه در اصل پذیرش نظری، بلکه در کیفیت استانداردهای اجرایی، پویایی داده‌ها و سازوکارهای عملیاتی بهره‌برداری از آن در فرایند عدالت کیفری است. بومی‌سازی تجارب موفق نظام فرانسه، به‌ویژه در زمینه نگاه میان‌رشته‌ای و به‌روزرسانی پرونده، می‌تواند کارآمدی عدالت ترمیمی و اصلاح‌مدار را در حقوق ایران ارتقا بخشد.

۳-۳- گفتار سوم: تحلیل تطبیقی و ارزیابی نقاط قوت و ضعف حقوق ایران و فرانسه

مطالعه تطبیقی نظام‌های عدالت کیفری ایران و فرانسه بیانگر آن است که هر دو نظام، ضرورت شناخت شخصیت بزهکار را به‌عنوان یکی از ارکان بنیادین عدالت کیفری نوین و لازمه بی‌چون‌وچرای تحقق اصل فردی‌سازی پاسخ‌های کیفری پذیرفته‌اند. در هر دو کشور، قانون‌گذار با عبور از آموزه‌های کلاسیک و جرم‌محور، بر لزوم تناسب واکنش کیفری با ویژگی‌های فردی، خانوادگی، اجتماعی و روان‌شناختی مرتکب تأکید ورزیده است. با این حال، تحلیل موشکافانه مقررات تقنینی و رویه‌های قضایی–اجرایی نشان می‌دهد که تفاوت‌های بنیادینی در میزان پختگی هنجاری، دامنه داده‌های گردآوری‌شده، نقش متخصصان بالینی و نحوه به‌کارگیری پرونده شخصیت میان دو کشور وجود دارد (آشوری، ۱۳۹۸: ۲۸۷–۲۹۳؛ خالقی، ۱۴۰۰: ۵۰۲–۵۱۲؛ قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۳۹۲؛ Pradel, 2022: 620–630؛ Merle & Vitu, 2019: 748–758).

۱. تحلیل تطبیقی از حیث مبانی قانونی و گستره شمول:

حقوق کیفری فرانسه دارای سابقه‌ای دیرپا و هنجارمند در به‌کارگیری پرونده شخصیت است؛ به‌گونه‌ای که از اواخر سده نوزدهم میلادی همگام با شکل‌گیری آموزه‌های جرم‌شناسی، ارزیابی ساختار شخصیتی متهم در مراحل مختلف دادرسی تمهید شد. در نقطه مقابل، در نظام دادرسی ایران، قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ رویکردی بسیار مضیق اتخاذ کرده بود و به‌موجب ماده ۲۲۲، تشکیل پرونده شخصیت را صرفا در دادرسی اطفال، آن هم به‌صورت غیراجباری، پیش‌بینی می‌کرد. اگرچه قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با مکلف ساختن بازپرس در جرائم مهم و پیش‌بینی الزام آن در ماده ۲۸۶ برای بخش عمده‌ای از جرائم اطفال و نوجوانان گامی بنیادین برداشت، اما قلمرو تقنینی آن همچنان در مقایسه با عمومیت و جامعیت حقوق فرانسه محدود است (خالقی، ۱۴۰۰: ۵۰۸؛ Pradel, 2022: 628).

۲. تحلیل از حیث ابعاد و ماهیت میان‌رشته‌ای گردآوری داده‌ها:

در فرانسه، پرونده شخصیت یکی از دستاوردهای بارز جرم‌شناسی بالینی و محصول همکاری مستمر نهاد قضا با متخصصان علوم رفتاری، روان‌پزشکی، روان‌شناسی و مددکاری اجتماعی است. بازپرس به‌موجب ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه مکلف است در امور جنایی افزون بر تحقیقات ناظر بر انتساب بزه، بررسی جامعی پیرامون وضعیت خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی متهم ترتیب داده و حسب ضرورت دستور معاینات روان‌پزشکی و آزمایش‌های پزشکی صادر کند؛ اختیاری که به‌موجب ماده ۱–۸۱ همان قانون در راستای شناخت ابعاد آسیب‌های وارده، به حوزه بزه‌دیده نیز تسری یافته است (سبزه‌علی و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۱). این تحقیقات تخصصی از مجرای کانون‌های اصلاحی، نهادهای

حمایت قضایی از جوانان و خدمات پروباسیون سامان می‌یابد. در مقابل، در حقوق ایران اگرچه قانون‌گذار ضرورت شناخت ابعاد روانی و اجتماعی بزهکار را تصدیق کرده، اما به علت کمبود نیروهای متخصص در بدنه دادسراها، نبود دستورالعمل‌های جامع و فقدان استانداردهای واحد، گردآوری اطلاعات غالبا صوری، ناقص یا صرفا به فرم‌های اداری اولیه محدود می‌شود (قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۳۹۲).

۳. تفاوت در پویایی و بهره‌برداری قضایی در مرحله صدور حکم و اجرا:

یکی از شاخص‌ترین تمایزات دو نظام، جایگاه پرونده شخصیت در مرحله اجرای احکام و میزان اختیارات مقامات قضایی است. در حقوق فرانسه، قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها (JAP بر اساس ماده ۷۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه) نهادی مستقل از دادسرا با اختیارات ماهوی گسترده در تصمیم‌گیری راجع به تعلیق مراقبتی، نظام نیمه‌آزادی، تجزیه مجازات و آزادی مشروط است و با تکیه بر به‌روزرسانی مداوم داده‌های شخصیتی، شیوه اجرای کیفر را با سیر تحول و بازپروری محکوم منطبق می‌سازد. در حقوق ایران، قاضی اجرای احکام کیفری فاقد اختیارات مستقل در دگرگونی ماهوی مجازات‌ها بوده و تصمیم‌گیری درباره نهادهای ارفاقی مستلزم ارسال پرونده به دادگاه صادرکننده حکم است که با استقلال قضایی در انطباق پویای مجازات ناسازگار می‌نماید (حیدری، ۱۴۰۲: ۹۰–۹۶). افزون بر این، در مرحله اجرای کیفر حبس در زندان‌های ایران، مفاد مواد ۶۳ و ۷۴ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها تشکیل پرونده شخصیت را برای طبقه‌بندی زندانیان لازم شمرده است؛ با این حال، در عمل این فرایند با چالش‌هایی چون کمبود کادر تخصصی، سطحی‌نگری و عدم به‌روزرسانی منظم مواجه است، هرچند کانون‌های اصلاح و تربیت از وضعیت نسبتا مطلوب‌تری برخوردارند.

۴. ارزیابی وجوه اشتراک و افتراق:

وجوه اشتراک دو نظام در باور مشترک به کرامت انسانی، ضرورت تناسب میان کیفر و شخصیت مرتکب، بازاجتماعی‌سازی و کاهش نرخ تکرار جرم ریشه دارد (خسروشاهی و سبزعلی، ۱۳۹۶). لکن افتراق ساختاری در این است که در فرانسه، پرونده شخصیت در مرحله تحقیقات مقدماتی موضوعیت و در مرحله دادرسی طریقیت یافته و در سرتاسر جریان اجرای مجازات فعال است (شاملو و گوزلی، ۱۳۹۰: ۱۱۶)؛ اما در نظام حقوقی ایران، عمده اتکا بر بررسی شخصیت محکوم به مرحله اجرای مجازات حبس موکول شده و در مراحل کشف، تعقیب و دادرسی، خلأ قانونی و رویه‌ای محسوسی نسبت به استقلال و جامعیت آن به چشم می‌خورد (سلیمانی، ۱۴۰۳: ۲۳).

۳-۳-۱- جمع‌بندی گفتار سوم

یافته‌های تطبیقی آشکار می‌سازد که فاصله نظام عدالت کیفری ایران با فرانسه نه در پذیرش نظری ضرورت پرونده شخصیت، بلکه در درجه نهادینه‌سازی تقنینی، زیرساخت‌های اجرایی، ارتباط سامان‌یافته میان‌رشته‌ای و به‌روزرسانی مداوم داده‌ها در فرایند اجرای کیفر است. تقویت کارایی این نهاد در حقوق کیفری ایران نباید با گرته‌برداری صرف صورت پذیرد؛ بلکه مستلزم بومی‌سازی تجارب موفق فرانسه با در نظر گرفتن مبانی فقهی، فرهنگی و بافت دادرسی داخلی است. دستیابی به این مقصود از رهگذر بازنگری در گستره جرائم مشمول الزام قانونی، افزایش مشارکت ساختاری کارشناسان علوم رفتاری، تدوین دستورالعمل‌های مدون و اعطای اختیارات انطباقی به قضات در مرحله اجرای مجازات امکان‌پذیر خواهد بود.

نتیجه‌گیری

پرونده شخصیت از ارکان بنیادین سیاست جنایی نوین در راستای تحقق عدالت کیفری، فردی‌سازی ضمانت‌اجراهای کیفری و افزایش کارآمدی فرایند دادرسی است. برخلاف نگرش سنتی که تصمیم‌گیری قضایی را منحصرا بر مدار رفتار مجرمانه متمرکز می‌ساخت، آموزه‌های نوین حقوق کیفری بر این باورند که شناخت ژرف ویژگی‌های فردی، روان‌شناختی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب، شرط لازم برای گزینش واکنشی عادلانه، بازپذیرفته و مؤثر است (شاملو و گوزلی، ۱۳۹۰؛ سلیمانی، ۱۴۰۳).

نتایج مطالعه تطبیقی حقوق کیفری ایران و فرانسه نشان داد که هر دو نظام حقوقی اصل ضرورت شناخت شخصیت بزهکار را پذیرفته‌اند؛ لکن در شیوه تنظیم مقررات، گستره داده‌های قابل گردآوری و نحوه به‌کارگیری این اسناد تفاوت‌های

معناداری میان آن‌ها وجود دارد. در حقوق ایران، به‌ویژه پس از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، گام‌های ارزنده‌ای در جهت پذیرش نهاد پرونده شخصیت برداشته شد؛ با این وجود، محدود بودن قلمرو اجرای آن، فقدان دستورالعمل‌های منسجم، کمبود متخصصان علوم رفتاری و تعارض رویه‌های قضایی مانع از بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت‌های این نهاد شده است.

در نقطه مقابل، حقوق کیفری فرانسه با پیشینه و انباشت تجارب غنی، پرونده شخصیت را به یکی از ارکان غیرقابل‌انشکاف تصمیم‌گیری قضایی بدل ساخته است. بررسی تطبیقی گواه آن است که در این نظام، ابعاد گوناگون شخصیتی، روانی، خانوادگی، اجتماعی و پیشینه کیفری مرتکب به‌صورت میان‌رشته‌ای و به‌هنگام بررسی شده و در تمام مراحل دادرسی و اجرای کیفر مورد اتکا قرار می‌گیرد (Delmas-Marty, 1983؛ Pradel, 2022).

پاسخ به پرسش اصلی پژوهش و سنجش فرضیه تحقیق مؤید آن است که نظام حقوقی فرانسه در شناسایی جامع ابعاد پرونده شخصیت، کاربست بین‌رشته‌ای و استمرار پویایی اطلاعات از انسجام و کارآمدی بالاتری برخوردار است؛ از این‌رو، فرضیه پژوهش مبنی بر «جامع‌تر بودن نظام حقوقی فرانسه در شناسایی و بهره‌برداری از ابعاد پرونده شخصیت» به‌طور کامل تأیید می‌گردد. همان‌گونه که دکترین حقوقی خاطرنشان ساخته است، قانون‌گذار ایران در زمینه پیش‌بینی الزام صریح در مراحل کشف و تعقیب جرم با خلأ آشکاری مواجه بوده و توجه به ضرورت شکل‌گیری نهاد مستقل پرونده شخصیت در سراسر فرایند کیفری یک ضرورت انکارناپذیر است (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۱۹۱). ارتقاء جایگاه این نهاد در ایران بیش از اصلاحات صرف تقنینی، نیازمند تحکیم زیرساخت‌های اجرایی، تعامل مستمر دستگاه قضا با کارشناسان علوم رفتاری و تدوین آیین‌نامه‌های تخصصی است (حیدری و فخری، ۱۴۰۵).

پیشنهادها

بر پایه یافته‌های پژوهش و دستاوردهای مطالعه تطبیقی، راهکارهای راهبردی زیر جهت ارتقاء کارآمدی پرونده شخصیت در نظام عدالت کیفری ایران پیشنهاد می‌گردد:

۱. بازنگری و توسعه مقررات تقنینی: گسترش دایره الزام تشکیل پرونده شخصیت از جرائم محدود کنونی به سایر جرائمی که شناخت شخصیت در تعیین واکنش کیفری نقشی تعیین‌کننده دارد.

۲. تدوین دستورالعمل اجرایی جامع: همکاری قوه قضائیه با نهادهای علمی، جرم‌شناسان و مددکاران اجتماعی جهت ایجاد وحدت رویه سراسری در گردآوری، تکمیل و نگهداری پرونده شخصیت.

۳. نهادینه‌سازی مشارکت متخصصان: خروج به‌کارگیری روان‌شناسان، روان‌پزشکان و مددکاران از حالت گزینشی و موردی و تبدیل آنان به ارکان ثابت فرآیند دادرسی کیفری.

۴. آموزش تخصصی ضابطان و قضات: برگزاری دوره‌های آموزشی مستمر جهت ارتقاء بینش تخصصی مقامات قضایی نسبت به کارکردهای بنیادین پرونده شخصیت و جلوگیری از نگرش فرمالیستی و شکلی به آن.

۵. راه‌اندازی سامانه الکترونیکی یکپارچه: ایجاد بانک اطلاعاتی تخصصی متمرکز جهت ثبت، صیانت و به‌روزرسانی مستمر داده‌های شخصیتی محکومان.

۶. پیش‌بینی ضمانت‌اجراهای تقنینی مؤثر: تعیین ضمانت‌اجراهای قانونی صریح برای تخلف از تکلیف تشکیل پرونده شخصیت به‌منظور تضمین اثربخشی سیاست‌های اصلاحی، کاهش تکرار بزه و تقلیل هزینه‌های نظام زندان‌ها.

ملاحظات اخلاقی: این نوشتار با در نظر گرفتن ملاحظات اخلاقی همچون صداقت، امانت‌داری در تحلیل متون و استناددهی نگارش شده است.

تعارض منافع: در مقاله حاضر تضاد منافعی وجود ندارد.

سهم نویسندگان: در تدوین این مقاله، نویسنده اول در طراحی پژوهش، گردآوری منابع، تحلیل داده‌ها و نگارش نسخه اولیه

مقاله نقش اصلی داشته است. نویسنده مسؤول، ضمن ارائه ایده و چارچوب کلی پژوهش، بر فرایند انجام تحقیق نظارت علمی داشته و در بازبینی، اصلاح و تأیید نهایی مقاله مشارکت کرده است. نویسنده سوم نیز با ارائه دیدگاه‌های تخصصی و مشاوره علمی، به تحلیل مطالب و بازنگری محتوای مقاله کمک کرده است. تمامی نویسندگان نسخه نهایی مقاله را مطالعه و تأیید کرده‌اند.

تشکر و قدردانی: از همه عزیزانی که مسیر را جهت تهیه و تدوین این نوشتار هموار کردند، سپاسگزارم.

تأمین اعتبار پژوهش: پژوهش حاضر بدون تأمین مالی انجام شده است.

منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

– آشوری، محمد (۱۳۹۸). *آیین دادرسی کیفری*. جلد دوم، تهران: سمت.

– ابراهیمی، ابراهیم (۱۳۹۰). «موانع تشکیل پرونده شخصیت در نظام کیفری ایران». *مطالعات پیشگیری از جرم*، ۱(۲): ۱۸۸–۲۰۵.

– اردبیلی، محمدعلی (۱۴۰۰). *حقوق جزای عمومی*. جلد دوم، تهران: میزان.

– حیدری، علی‌مراد (۱۴۰۲) «نقش قاضی اجرای احکام در فردی‌سازی ارفاقی واکنش علیه جرم». *پژوهشنامه حقوق کیفری*، ۱۴(۲): ۸۳–۹۹.

– حیدری، علی‌مراد و فخری، سعیده (۱۴۰۵). «تحلیل تطبیقی کارکرد دادگاه‌های حل مسأله در رسیدگی به جرائم مواد مخدر اطفال و نوجوانان در ایران و آمریکا». *تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی*، ۱–۱۶.

– خالقی، علی (۱۴۰۰). *آیین دادرسی کیفری*. تهران: شهر دانش.

– زمانی، مهرداد؛ گودرزی، محمدرضا و عبدالهی، اسماعیل (۱۴۰۳). «تقویت رویکرد فردی‌سازی مجازات‌ها در جامعه‌شناسی سیاسی در حقوق کیفری ایران». *پژوهش‌های نوین در مطالعات علوم انسانی اسلامی*، ۳(۶): ۲۹۶–۳۱۲.

– سبزه‌علی، راضیه؛ اشرافی، محمود و حیدری، مسعود (۱۳۹۷). «آثار پرونده شخصیت در حقوق کیفری ایران». *حقوقی دادگستری*، (۱۰۰): ۶۸–۹۳.

–سبزه‌علی، راضیه و خسروشاهی، قدرت‌الله (۱۳۰۶). «نقش پرونده شخصیت در پیشگیری از تکرار جرم». *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم*، (پیاپی ۴۵): ۱۱۷–۱۵۲.

– سلیمانی، مریم؛ فرهود، نغمه و موالی‌زاده، سید باسم (۱۴۰۲). «مطالعه تطبیقی ابعاد، الزامات و کارکردهای پرونده شخصیت در حقوق ایران با تکیه بر بنیادهای آن در فقه اسلامی». *مبانی حقوق اسلامی*، ۱۴(۲): ۴۰۵–۴۲۱.

– سلیمانی، مریم (۱۴۰۳). «تبیین جایگاه و کاربرد پرونده شخصیت در حقوق ایران، فرانسه و اسناد بین‌المللی؛ نگاهی به جایگاه حقوق بشر بین‌المللی». *پژوهشنامه ایرانی روابط بین‌الملل*، ۲(۵): ۳–۲۷.

– شاملو، باقر؛ گوزلی، مهدی (۱۳۹۰). «پرونده شخصیت در حقوق کیفری ایران و فرانسه». *آموزه‌های حقوق کیفری*، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دوره جدید (۲): ۸۹–۱۱۸.

– محمدی، ملیکا و میرقادری، زینب‌سادات (۱۴۰۳). اثربخشی تشکیل پرونده شخصیت در فرایند تعیین واکنش اجتماعی مبتنی بر اصل فردی‌کردن کیفرها. *مجموعه مقالات هشتمین همایش بین‌المللی مطالعات دینی، علوم انسانی و اخلاق زیستی در جهان اسلام*.

– ملازمیان، مسعود و قربان‌زاده، امیرمسعود (۱۴۰۲). بررسی اصل تشکیل پرونده شخصیت در دادرسی اطفال و نوجوانان و محاسن و موانع آن در نظام حقوقی ایران و فرانسه. *مجموعه مقالات سومین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، حقوق و علوم اجتماعی*.

– مولاپور راشدی، حامد؛ احمدی موسوی، سید مهدی و زمانی، امین‌الله (۱۴۰۳). «مطالعه حقوقی–جرم‌شناختی پرونده شخصیت با رویکرد پیشگیرانه در حقوق ایران و کانادا». *جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۱۴(۱): ۴۶۵–۴۷۶.

– نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۹۷). *مجموعه مقالات جرم‌شناسی و سیاست جنایی*. تهران: میزان.

ب. قوانین

– قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲، با اصلاحات و الحاقات بعدی)

– قانون مجازات اسلامی. (۱۳۹۲، با اصلاحات و الحاقات بعدی).

ج. منابع انگلیسی

- Ashworth, A (2021). *Sentencing and Criminal Justice* (8th ed.). Oxford University Press.

- Code de Procédure Pénale (France). (2024). Édition Dalloz.

- Delmas-Marty, M (1983). *Modèles et Mouvements de Politique Criminelle*. Economica.

- Hodgson, J (2005). *French Criminal Justice: A Comparative Account of the Investigation and Prosecution of Crime in France*. Hart Publishing.

- Merle, R & Vitu, A (2019). *Traité de Droit Criminel*. Cujas.

- Pradel, J (2022). *Procédure Pénale* (20e éd.). Cujas.